

مردم جهان هم سرنوشتند!

گزارشی از آکسیون‌های اعتراضی 27 سپتامبر تا 17 اکتبر - لندن در حمایت از مبارزات مردم و خواست آزادی زندانیان سیاسی

سازمان زنان هشت مارس همراه با کمیته جوانان - انگلستان در سه هفته گذشته (از تاریخ 26 سپتامبر تا 17 اکتبر)، هر شبانه از ساعت 2 تا 5 آکسیون‌های اعتراضی علیه رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی و در پشتیبانی از مبارزات مردم و با خواست آزادی زندانیان سیاسی در میدان ترافالگار - لندن (بزرگترین میدان تجمعات سیاسی و اجتماعی مردم بریتانیا و نیز محلی توریستی) برگزار نمودند.

هدف از برگزاری این آکسیون‌ها که به‌طور مرتب هر شبانه از تاریخ 24 جولای 2009 که با سه روز تحسن آغاز شد و تا کنون ادامه دارد، (تنها هفته‌ای که نتوانستیم آکسیون خود را



پیش بریم، هفته ای بود که شب هبستگی با زندانیان سیاسی و خانواده جانباختگان را برگزار کردیم.) این است که بتوانیم با به تصویر کشیدن صحنه‌هایی از مبارزات مردم و بخصوص زنان علیه جمهوری اسلامی، صحنه‌هایی از ددمنشی رژیم علیه مردم چهره واقعی رژیم سراپا جنایت جمهوری اسلامی را به مردم دنیا بشناسانیم و افکار مترقی را در حمایت از مبارزات مردم و خواستهای زنان ایران جلب کنیم. ما بعنوان تشکل زنان همواره تلاش کرده‌ایم که موضوع مطالبات پایه‌ای زنان تحت عناوین مختلف به فراموشی سپرده نشود و به همین دلیل برخی از مطالبات پایه‌ای زنان همچون: لغو حجاب اجباری، لغو سنگسار، جدائی دین از دولت، حق سقط جنین، و... در

پلاکاردها طرح می‌کنیم. علاوه بر نمایشگاه عکس و مطالبات زنان در این آکسیون‌ها پرچمی را که روی آن به انگلیسی نوشته شده است: سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، و هم چنین پلاکاردهایی که نه به جمهوری اسلامی، نه به امپریالیسم، زنان برای جهانی بدون ستم و استثمار مبارزه می‌کنند و... به‌عنوان خواست‌های زنان رادیکال ایران و همچنین جوانان برای بازدیدکنندگان از آکسیون بر روی زمین قرار می‌دهیم. در تمام این مدت توانستیم جمعیت انبوهی از زنان انگلیسی و سایر کشورهای دیگر را جذب کنیم. زنانی که با مشاهده عکس‌های مبارزه و مقاومت زنان ایران خوشحال می‌شدند و با بودن در کنار آکسیون و داوطلبانه بیانیه آزادی زندانیان سیاسی و



سرنگونی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی را امضا می‌کردند و در همبستگی با ما با کمک‌های مالی بی‌دریغشان خواستار ادامه راه مبارزاتی ما بودند.

با برگزاری مرتب این آکسیون‌ها توانستیم مرکز سیاسی فعالی در دفاع از مبارزات میلیون‌ها زن و مرد به ستوه آمده از رژیم جمهوری اسلامی را در میدان ترافالگار ایجاد کنیم. و به همین خاطر است که در هفته‌های اخیر برخی تشکلات سیاسی نیز در کنار ما به فعالیت پرداختند.

نمونه هایی از حمایت مردم:

مردی شتابان به نزد ما آمد و خواستار امضای بیانیه آزادی زندانیان سیاسی بود. از او علت شتابش را برای امضا کردن پرسیدم گفت: آنان برای آزادی‌شان از جان‌شان می‌گذرند، من تنها کاری که می‌کنم فقط یک امضاست که آن هم دریغ نمی‌کنم.

دو هفته پیاپی زنی از کردستان عراق در کنار ما بود. با امضای بیانیه آزادی زندانیان سیاسی و محکوم کردن جمهوری اسلامی خواستار توقف شکنجه و تجاوز جنسی به زندانیان بود. زنی انگلیسی که به سختی می‌توانست قدم بردارد، آری او با کمک عصا می‌توانست راه برود، اما برای کمک مالی و امضای بیانیه آزادی زندانیان سیاسی مشکل جسمی‌اش را فراموش کرده بود.

هنگامی که اطلاعیه در بین جمعیت توزیع می‌شد، بسیاری همانجا مطالعه‌اش می‌کردند و اعلام می‌نمودند که ما با شما موافق هستیم. ما با زنان و مردانی که برای آزادی و رفاه در جنگند هم صدا هستیم. ما مردم ستم‌دیده ایران را تنها



نخواهیم گذاشت. حتی برخی از افراد پس از مطالعه اطلاعیه زنان هشت مارس آن را به شخص دیگری می‌دادند که مطالعه کند و ببیند که در ایران چه

می‌گذرد. دختران و پسران جوانی که با دیدن عکس‌هایی از اعدام‌های خیابانی برافروخته و متعجب می‌شدند و سوال می‌کردند آیا این عکس‌ها واقعی‌ست؟ وقتی به آن‌ها چگونه کشته شدن نداها و سهراب‌ها و کیانوش‌ها و ترانه‌ها و... را توضیح میدادیم باورش‌شان نمی‌شد حتی نمی‌توانستند تصور کنند چرا انسان‌ها را برای ابتدایی‌ترین حقوق

انسانی مجازات می‌کنند؟ ناراحت می‌شدند و برای هم نسلان خود که در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی هستند آرزوی موفقیت می‌کردند. به صف می‌ایستادند و بیانیه آزادی زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیم ضد زن جمهوری اسلامی را امضا می‌کردند. برخی از این جوانان دانش‌آموز و دانشجو بودند، اما حداقل پولی را که در جیب داشتند در صندوق کمک‌های مالی می‌ریختند.



بعضی از بازدیدکنندگان در مورد موسوی و کروبی می‌پرسیدند و موافق بودند که موسوی و کروبی بهترند. زمانی که توضیح داده می‌شد در زمان نخست‌وزیری موسوی و کروبی که ریاست مجلس را بر عهده داشت، ده‌ها هزار نفر زندانی سیاسی از زن و مرد و دانشجو و دانش‌آموز به دار آویخته شدند و بسیاری در

زیر شدیدترین شکنجه‌های قرون وسطایی جان سپردند. با ما هم عقیده می‌شدند و می‌گفتند که ای کاش رسانه‌های خبری بی‌طرف باشند و واقعیت را اعلام کنند.

پسر ایرانی به سراغ یکی از فعالین هشت مارس رفت و گفت این شعار شما درست نیست. زنان در ایران سنگسار نمی‌شوند. چرا این شعار را نوشته‌اید؟ بیشتر از نیم ساعت با او صحبت شد و برایش توضیح داده شد که چگونه

زنان به خاطر عشق مجرم شناخته می شوند و حکم سنگسارشان واجب است. بعد از او پرسیده شد چند سال داشته است که از ایران خارج شده است گفت: فقط دوازده سال! پسر جوان موقعی که ما را ترک می کرد گفت فکر نمی کردم زنان زادگاهم این گونه زندانی باشند در کشورشان! و خوشحالم که این جا شما را می بینم که برای آزادی زنان ایران تلاش می کنید.

زنی پوشیده شده در حجاب پس از این که نمایشگاه عکس و توضیحات ما را در مورد موقعیت زنان ایران شنید گفت که من هم مخالف این حجابی که بر سرم است می باشم. اما همسرم، پدرم و برادرم سخت در تلاشند که مبادا روزی این حجاب از سرم برداشته شود. من دقیقا می دانم که چرا زنان ایران بر علیه حجاب اجباری مبارزه می کنند. او مردی را که طرف دیگری از میدان بود را نشان داد و گفت همسرم است تا نیامده است می خواهم ورقه را امضا کنم.

پسری از آمریکا سئوالات بسیار زیادی را از ما در مورد سیاست های بوش به خصوص در مورد افغانستان و عراق را کرد. او گفت که آیا به نظر شما موقعیت مردم در عراق و افغانستان بهتر شده است؟ آیا الان وضعیت زنان این دو کشور بهتر نیست؟ به این پسر جوان توضیح دادیم که نه موقعیت زنان این دو کشور اصلا بهتر از قبل نیست. زنان در این دو کشور اشغال شده به وسیله آمریکا و شرکا در بند و اسارت دولت مذهبی و با قوانین مذهبی قرار گرفتند. در عراق بر زنان علاوه بر اعمال قوانین ضد زن دولتی اسلامی در منگنه باندهای ارتجاعی و فئاتیک سنی و شیعه نیز قرار دارند. برایش توضیح دادیم که در افغانستان شرایط زنان بسیار بد است. اگر از چند خیابان کابل را که کمی تلاش کرده اند برقع را به روسری مبدل کنند و یا دختر بچه ها به مدرسه می روند را کنار بگذاریم در تمام نقاط افغانستان موقعیت زنان اگر نگوئیم بدتر از آن موقع است ولی به همان شدت در اسارت و فرودستی مطلق قرار دارند. برای این پسر جوان مثال های گوناگونی را در مورد موقعیت زنان این دو کشور زدیم. این پسر جوان آمریکائی بسیار از صحبت های ما استقبال کرد و گفت که او هم مثل ما فکر می کند و می خواسته است که نظر زنانی از آن منطقه را بداند.

مردی که با عصا به سختی راه می رفت تمام تلاش خود را کرد که پولی را به عنوان کمک مالی در صندوق بریزد. او گفت این کار کوچکی است. مردم ایران هر روز دارند کشته می شوند و ما باید از آن ها حمایت کنیم. زنی از انگلیس با دیدن عکس ها و خواندن اطلاعیه زنان هشت مارس با اشک در چشمانش گفت که من با کمال میل می خواهم ورقه اعتراضی شما را امضا کنم و از این پس هر گاه تظاهرات و یا جلسه ای داشتید مرا نیز خبر کنید. این زن در همبستگی با زنان ایران گفت که من آدم فقیری هستم ولی می خواهم به شما برای پیشبرد کارتان کمک کنم و نصف پول خردی را که داشت در صندوق ریخت.

و ده ها نمونه الهام بخش دیگر که نشان دهنده این واقعیت است که: «مردم جهان هم سرنوشتند!» با دیدن هر یک از این صحنه ها و حمایت صمیمی مردم از کشورهای مختلف گاهی اوقات اشک را بر چشمانم جاری می ساخت، اما خوشحال از این که افکار عمومی دنیا بی تفاوت به سرنوشت انسان های دیگر نیستند.



20 اکتبر 2009
پری قدمی - فعال سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - لندن

www.8mars.com

Parighadami@hotmail.co.uk